در «قفسه‌کتاب» جام‌جم بخوانید:
صدرنشین‌های ادبیات پلیسی - جنایی

مصاحبه اختصاصی با داین فاینشتاین، سناتور دموکرات
نگران رفتارهای ترامپ هستیم

۸

جام‌جم

www.jamejamdaily.ir

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۹ | ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌ویکم - شماره ۵۷۸۴ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - October 20, 2020

بیماران مبتلا به دیابت از نبود انسولین گلایه می‌کنند اما مسؤولان از این ماجرا روایت دیگری دارند

واقعیت ماجرای انسولین چیست؟

۱۸

همه چیز درباره فصل سوم «نون. خ» در گفت‌وگو با تهیه‌کننده و بازیگران این سریال

عروسی در خانه «نون. خ»

۶-۷

عکس: روابط عمومی سریال

ویژه‌ها

گفت‌وگو با وزیر پیشین بازرگانی درباره مشکلات و موانع توسعه صادرات

نباید اقتصاد را به انتخابات کشورهای دیگر گره بزنیم

امروز روز ملی صادرات است. صادراتی که در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ به اوج خود رسیده بود با تشدید تحریم‌ها و شیوع کرونا طی یک سال گذشته روزگار چندان خوشی را سپری نمی‌کند. موضوعی که به کاهش درآمدهای ارزی کشور منجر شده است. همواره بخشی از نیاز ارزی کشور از طریق صادرات غیرنفتی تامین می‌شود...

۳

مرگ و میرهای کرونا یک بار دیگر رکورد زد

روزهای قرمز تقویم روزهای سیاه کرونا

۱

بیشتر بخوانید

۱۹ سال پس از محمدرضا بایرامی، چرا هیچ نویسنده دیگری نتوانسته جایزه خارجی بگیرد؟

چرا کسی به ادبیات ایران جایزه نمی‌دهد؟

۱۰

گفت‌وگو با معاون صدا و مدیر رادیو وحدت به مناسبت افتتاح این شبکه رادیویی

روی موج همدلی

۵

مهدی بی‌باک از حال و روز خود و ورزشکاران ایرانی می‌گوید

پیشنهاد آمریکا به مرد طلایی تکواندو ایران

۴

واکنش‌ها به ساخت سد فینسک بالا گرفته و مسؤولان به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند

سدی روی طبیعت

۱۶

گزارش خبری

روزهای قرمز تقویم، روزهای سیاه کرونا

اگر برای روزهای تعطیل پیش رو تدبیری اندیشیده نشود، ابتدای آذر رکورد مرگ و میر ناشی از کرونا دوباره شکسته می‌شود

نرگس خانعلی‌زاده
جامعه

دیروز روز سیاه کرونا رقم خورد. ۳۳۷ کشته در یک روز، آماری که طی ۹ ماه گذشته در ایران بی‌تکرار بوده است. حالا با طغیان کرونا در شهرهای پرجمعیت ایران فاصله رکورد منفی کرونا هم کاهش یافته است. نکته عجیب و تلخ اما نسبت مستقیم روزهای قرمز و تعطیل در تقویم و افزایش تعداد مرگ و میرهای کرونایی است. عجیب است چراکه شهروندان با آگاهی از افزایش مرگ و میرها پا به جاده‌ها گذاشته و راهی سفر شدند، تلخ است چراکه پس از ۹ ماه هنوز وفاقی میان مردم در این باره صورت نگرفته است، وفاقی بر این مبنا که با سفر رفتن جان دیگران را به خطر نیندازند. در ۹ ماه گذشته هشت بار تعداد قربانی‌های کرونا در ایران با جهشی چشمگیر از خود رکوردی منفی به جا گذاشته است. اولین جهش مربوط به ۱۶ فروردین است که تعداد قربانیان کرونا در ایران به ۱۵۸ نفر در روز رسید، با علم به این موضوع که بسیاری این جهش را نتیجه تعطیلات نوروزی می‌دانستند، دومین رکورد مربوط به ۱۹ تیر با ۲۲۱ کشته است، شیب افزایشی در تیرماه ادامه داشت و ۳۱ تیر با ثبت ۲۲۹ کشته نمودار قربانیان کرونا در روز را بالاتر برد. جالب این‌که با نگاهی به روزهای تعطیل ثبت‌شده در تقویم می‌توان متوجه شد طغیان یکباره تیرماه هم مربوط به تعطیلات فراوان میانه خرداد است، چراکه با فاصله چهار هفته‌ای از تعطیلات طولانی خرداد به یکباره رکورد قربانیان روزانه ایران افزایش پیدا کرده است. رکورد منفی بعدی در هفتم مرداد با ۲۳۵ کشته ثبت شد. اما دوباره همان فرمول تعطیلات و افزایش کشته‌ها در راه است چراکه باز هم تعطیلات دو روزه در میانه شهریور و پایان تابستانی که برای بسیاری از شهروندان هنوز به مفهوم آخرین فرصت استفاده از تعطیلات است، تعداد قربانیان کرونا را در ماه بعد افزایش می‌دهد. مهر، ماه سیاه کروناست. رکورد اول در ۱۹ مهر با ۲۳۹ کشته رقم خورد، ۵ روز بعد با جهشی قابل توجه این تعداد به ۲۷۲ نفر و ۲۳ مهر به ۲۷۹ نفر در روز رسید. جالب این‌که فاصله تعطیلات شهریور با اولین رکوردزنی قربانیان کرونا در مهر تنها ۳۸ روز است و فاصله تعطیلات خرداد با رکوردزنی قربانیان تیرماه هم ۳۵ روز. به این مفهوم که نتیجه بی‌ملاحظگی سفر در تعطیلات در یک بازه حدودی ۳۵ روزه نمایان می‌شود. قرارگیری تعطیلی یکشنبه هفته آینده هم در ساحت جامعه ایرانی به مفهوم یک تعطیلی چهار روزه است و اگر اراده‌ای در محدودیت سفر شکل نگیرد، باید منتظر رکورد تازه‌ای در ابتدای آذرماه باشیم.

مسعود مردانی، عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونا، از سفرهای مردم به شهرهای مختلف به عنوان مهم‌ترین عامل این افزایش آمار ناگهانی نام می‌برد و در گفت‌وگو با ما می‌افزاید: «حجم مسافران در جاده‌های شمالی کشور، آن هم درست یک روز بعد از محدودیت‌های رفت و آمدی در تهران را دیدید؟ دیدید که چه ترافیکی از سمت شهرهای شمالی به تهران برقرار است؟ کسانی که به نظر خودشان موفق عمل کرده‌اند و پیش از چهارشنبه از تهران خارج شده بودند، دیروز و بعد از اتمام محدودیت‌های رفت و آمدی به شهر برگشتند. در چنین شرایطی، هنوز علت این رکوردشکنی‌های غم‌انگیز واقعا معلوم نیست؟»

مردانی، تفاوتی بین سفر و باز شدن مدارس و هر تجمعی دیگر قائل نیست و همه آنها را به بالا بردن این آمار محکوم می‌کند و می‌گوید: «هرکدام از آمارهایی که ناگهان بالا رفته‌اند و رکوردی را برجای گذاشته‌اند، بی‌ارتباط با سفرها و عدم رعایت فاصله اجتماعی در این مسافرت‌ها نبوده است. متاسفانه واقعیت این است که تعطیلی‌های چندروزه در شهریور و حجم مسافرهای میلیونی که به شهرهای شمالی کشور رفتند، ارتباط مستقیمی با آمارهای بالای مبتلایان به کرونا و مرگ و میرهای ناشی از آن دارد و این خودش گویای همه چیز است. ضمن این‌که باز شدن مدارس در ماه‌های شهریور و مهر هم یکی دیگر از علت‌های اساسی بالا رفتن آمار مبتلایان و مرگ و میرهاست.» او به طور کلی هر اتفاقی را که باعث شکل‌گیری جمعیتی بدون فاصله‌گذاری اجتماعی باشد مهم‌ترین عامل در بالا رفتن ناگهانی آمار می‌داند.

جمع عوامل جمع است

اما حمید سوری؛ متخصص اپیدمیولوژی ثبت چنین رکوردهای مرگباری را به یک عامل یا دو عامل محدود نمی‌داند و علت آن را مجموع عوامل عدم رعایت‌ها و سیاست‌گذاری‌های اشتباه در هفته‌های پیش از آن می‌داند. او به ما می‌گوید: «هر آماری که ناگهان بالا می‌رود، نتیجه رفتارهایی است که در دو تا سه هفته گذشته در جامعه رخ داده است. عملا بستری شدن و مرگ مهم‌ترین پیامدهای اپیدمی هستند که نشان‌دهنده مواجهه بیشتر است؛ پس هر زمانی که با یک رکورد در آمار روبه‌رو می‌شویم، یعنی طبیعتا، یا مردم رعایت نکرده‌اند، سفر رفته‌اند، مهمانی رفته‌اند، کنار هم نشسته‌اند و ماسک نزده‌اند یا این‌که سیاست‌هایی اعمال شده که ناموفق بوده و تصور می‌کردیم که نتیجه خاصی را می‌گیریم، اما اشتباه می‌کردیم؛ تصمیماتی بدون تحقیق و یک آزمون و خطای واقعی.»

لزوم تغییر سیاست‌ها

آن طور که سوری می‌گوید سیاست‌هایی که در حال حاضر اجرایی شده و می‌شود، تصمیم‌هایی است که در کوتاه‌مدت گرفته می‌شود و زمینه علمی ندارد. او ادامه می‌دهد: «آیا باز شدن مدارس با تحقیق صورت گرفته است؟ آیا بررسی کرده بودیم که اگر مدارس باز شود، چه نتیجه‌ای دارد؟ قطعا این کار را نکرده بودیم. موضوع مهم این است که اگر کسی در مسائل بالینی تخصص دارد، حتما اطلاعات کافی راجع به سیاست‌گذاری درباره یک اپیدمی را ندارد.» ضمن این‌که او معتقد است در میان برخی از سیاست‌های نادرست، مردم هم دیگر از رعایت‌های طولانی‌مدت خسته شده‌اند و همین باعث تغییر روند اپیدمی و افزایش ناگهانی آمار می‌شود. او می‌گوید: «حالا در این میان، سفرهای متعدد مردم هم باعث تغییر الگوی اپیدمی و کم شدن مقاومت افراد نسبت به بیماری شده است.» آنقدر که بیش از هشت ماه است که این بیماری، از جامعه ما قربانی می‌گیرد و ما نتوانستیم وضعیت اپیدمی را نه به پایان که حتی به یک ثبات نسبی برسانیم.

تاج در تن -۱۰

فضیلت خاموشی

میثم امیری
نویسنده

نقل است که عبدا... را وقتی مصیبتی رسید خلقی به تعزیت او رفتند. گبری نیز برفت و با عبدا... گفت: خردمند آن بود که چون مصیبتی به وی رسد، روز نخست آن کند که پس از سه روز خواهد کرد. (عطار) ما عطار نخوانده بودیم. اگر خوانده بودیم باید صبر می‌کردیم تا روز سوم که هنوز نرسیده است! یعنی لختی می‌آسودیم تا ببینیم چه می‌شود. یکیش خود نویسنده. روز اول فکر می‌کرد این یک ویروس رسانه‌ای است و کرونا آن قدرها جدی نیست. این وقتی بود که تازه تاج در چین بر دل نشسته بود. روز نخست بود. ولی دوره «خاموشی» به توصیه عطار گذشته بود؛ در زمانه‌ای که دست آدم یک دستگاه ارتباطی است هر کس خودش را حکیمی می‌پندارد که می‌تواند گز نکرده ببرد.

روز نخست نور آفریده نشد؛ بیشتر تاریکی بود که گسترده می‌شد و محققان پیشاپیش کنشگران فریاد می‌زدند نمی‌دانند درباره چه سخن می‌گویند. برخی از آن حرف‌های روز اول دیگر تکرار نشد؛ چرا؟ زمان! زمان به آنها نشان داد آن گفته‌ها از حکمت سیراب نمی‌شد و هنوز نماز را نیامده از چاوشان بانگی.

گفتند راه قم ببندید و قم را از کشور جدا کنید تا ویروس سرایت نکند. ایده «جدایی» قم «از» ایران تازگی نداشت. پیشتر یکی از مدیران مدرسه‌های دینی مطرحش کرد. بی‌بی‌سی فارسی بر سر دستش گرفت تا اهل فجازی ترندش کنند. مایه مطایبه خلقی شد که خبر هر چه شوخی‌تر باشد برای آنها جدی‌تر است. ولی سال بعد همین نظر در قلم همان مطایبه‌گران با هراس تایپ می‌شد؛ «تو را خدا راه قم را ببندید» و خرجش جدا کنید.

مورد دیگری هم بود؛ همزمان با قم، یک شرکت هواپیمایی هم متهم شد پروازهایش از چین این بیماری را گسترش داده است. آنها می‌گفتند نباید به این شرکت هواپیمایی اجازه پرواز داده می‌شد.

کسی منکر تأثیر سیاست‌های روز اول نیست، ولی الان ۲۱۶ کشور با کرونا درگیر هستند و هیچ کدام شان قم یا ماهان ندارند. کرونا حریف همه شایعه‌ها و راه‌ها شد؛ حریف روز اول. حتی سازمان جهانی بهداشت هم عاقلانه می‌دید با گذشت زمان، دستورالعمل‌های جدیدی صادر کند.

فی‌المجلس یک مورد از همین ایده‌های روز اول را بررسی کنیم: آیا بگیر و ببندها مؤثر بوده است؟

موافقان نیوزیلند را مثال می‌زنند. نیوزیلند خیلی قبل‌تر از شیوع کرونا در خارج از چین محدودیت‌ها را آغاز کرد. نیوزیلند تقریبا راه‌های هوایی را بست و تازه‌واردها را به قرنطینه خانگی می‌فرستاد. اما حدود ۲۰۰۰ نفر در نیوزیلند کرونا گرفته‌اند.

صرف‌نظر از کشورهای ایزوله و کم‌مشکل و با زیرساخت‌های قوی مثل نیوزیلند، باقی جهان نمی‌دانستند و نمی‌دانند با ارتباطات‌شان چه کنند. آیا می‌شود بست و راحت پا را روی پا انداخت و از کیسه خورد. ته کیسه زود بالا می‌آید.

مثلا ایران با ۱۵ کشور، همسایه است و بیشتر از ۳۰۰۰ کیلومتر مرز آبی مشترک دارد. ما با بیشتر همسایه‌ها روابط سرد یا نزدیک به خصمانه داریم. حتی اگر بتوانیم کشور را ایزوله کنیم و مرزها را ببندیم چه اتفاقی خواهد افتاد؟ همین فردا صبح همسایه همزبان می‌تواند بگوید ایرانی‌ها اتباع ما را به رودخانه انداختند. رسانه معاند هم تصویری از خانواده اتباعی منتشر می‌کند که در رودخانه‌ای غرق شده‌اند. کدام روایت پذیرفته می‌شود؟ روایت مرزبانی ما یا روایت رسانه؟ بگذریم از دو کشوری که با هم درگیرند، ولی موشک‌هایشان تا مزارع ما می‌آید. اگر ما هم کاری با کسی نداشته باشیم، باقی کار دارند.

ایده‌های روز نخست تنها به قم و ماهان مربوط نبود؛ بحث‌ها ریشه‌ای‌تر از این حرف‌هاست. ماسک بزنیم یا نزنیم؟ توصیه‌های بهداشتی در روزهای اول این بود که لازم نیست همه مردم ماسک بزنند. همان توصیه الان تغییر پیدا کرده است و همه ملزم هستند ماسک بزنند. آیا کارکرد ماسک تغییر کرده است؟ خیر. اندازه ویروس ۱۲۵ نانومتر است و ماسک‌ها آن قدر ریزبافت نیستند که بتوانند در برابر این مقدار مقاومت کنند. ولی ماسک دست کم تلنگر می‌زند که همه دارند اصول بهداشتی را رعایت می‌کنند یا اگر ذرات ویروس به ذرات بزرگ‌تری چسبیده باشند از ماسک عبور نخواهند کرد. دلیلش هر چه باشد ما ملزم به استفاده از ماسک شده‌ایم. برخی کشورها از این الزام استفاده کرده و برخی هنوز آن را ضروری ندانسته‌اند. در شرق دور همه ماسک می‌زنند. آنها سابقه دست و پنجه نرم کردن با این جور بیماری‌ها مثل سارس را دارند و به ماسک عادت کرده‌اند. در آمریکا جمعیت قابل توجهی ماسک نمی‌زنند. اما نوعا فاصله اجتماعی را رعایت می‌کنند. نویسنده تصاویر زنده چهار گوشه این کشور را از روی ارث‌کم دیده است؛ ماسک در خیابان هفده شهریور شمالی تهران بیشتر از میدان تایمز نیویورک زده می‌شود. محققان درباره ماسک یکدل نیستند.

نامزد دیگر گمانه‌های روز اول، هیدروکسی کلروکین بود. ترامپ گفت این دارو اثری معجزه‌آسا دارد. حتی سازمان غذا و داروی آمریکا استفاده از این دارو را برای کرونا تجویز کرده بود. ولی الان محققان تردید دارند که این دارو مؤثر است یا نه. برخی تحقیقات نشان می‌دهد این دارو عوارض جدی دارد. در این جدال علمی هنوز دو طرف استدلال‌هایی دارند. ولی تقریبا استفاده از این دارو رد شده است. شبیه این داستان با دوز کمتر برای ایپوپروفن به وجود آمد. روزهای اول سازمان جهانی بهداشت با مصرف این دارو موافق نبود. ولی الان تحقیقات نشان می‌دهد ایپوپروفن برای کرونایی‌ها آن چنان مضر نیست.

ایده این که در هوای گرم این ویروس فروکش خواهد کرد در همان روزهای اول نقل محافل بود. اما گذشت زمان، این انگاره را زیر سؤال برد. موج دوم در ایران مربوط به روزهای گرم تابستان بود.

در روز اول گفته بودند سیگاری‌ها بیشتر مراقب باشند. دوباره عده‌ای گفتند ممکن است نیکوتین، مردم را در برابر بیماری ایمن کند. گروه دیگری از دانشمندان در نیویورک گفته‌اند اتفاقا سیگاری‌ها کرونای سخت‌تری خواهند داشت.

نکته اساسی این که هنوز روز سوم فرا نرسیده است. هنوز نمی‌دانیم کدام یک از حرف‌های روز اول ما درست از آب درمی‌آید؛ هر چند یک دور کاملا همه حرف‌های روز نخست به نحوی زیر سؤال رفت.

در این شهر شلوغ یک شایعه بیش از باقی شایعه‌ها جذاب و حتی تا حدی درست! بود. شایعه شد نسل پنجم اینترنت‌های همراه 5G به شیوع ویروس کرونا کمک کرده است. در انگلستان ۷۰ دکل مخابراتی مربوط به 5G به آتش کشیده شد. اما نمی‌توان از کنار کنایه‌اش به سادگی گذشت. شایعه‌ها و خبرهای روز اول درباره کرونا مثل خود کرونا به سرعت منتقل می‌شد؛ دلیل این سرعت هم اینترنت‌های آماده و پرسرعتی مثل 5G بود.